

مسموم کردن دختران دانشجو و دانش آموز، جنایت دولتی است

مسموم کردن دختران دانشجو و دانش آموز فقط انتقام رژیم فاشیستی ایران از زنان مبارز کشورمان نیست، بلکه یک ضرورت اقتصادی رژیم منهوس جمهوری اسلامی نیز هست.

در این کشور در هر خیابان، کوچه، کارخانه، مدرسه، مؤسسه دولتی و غیره... از سوی دولت، دوربین‌های مدار بسته برای کنترل مطلق مردم، تعبیه شده است. در مراکزی که تصاویر این دوربین‌ها را کنترل می‌کنند، متخصصین می‌توانند در عرض چند دقیقه افراد مظنون به یک حادثه‌ای را شناسایی، تعقیب و دستگیر کنند. ولی اکنون مدت سه ماه است که مسموم کردن دانشجویان و دانش آموزان دختر، هر روز قربانی می‌گیرد ولی فقط در چند روز اخیر به صحنه سازی پرداخته و در بعضی شهرها عده‌ای را دستگیر کرده و از آن‌ها اقرار گرفته‌اند. کاری که ۴۴ سال است رژیم برای رد گم کردن انجام می‌دهد. ولی این جنایت همچنان علیه زنان با شدت دنبال می‌شود.

سیاست خانه نشین کردن زنان و طرد آن‌ها از فعالیت تولیدی و اجتماعی، دقیقاً منطبق با ایدئولوژی و نوع اقتصادی‌ست که حاکمین از آن سود می‌جویند.

از نظر ایدئولوژی اسلامی، زن موجود درجه دوم است که باید تحت حاکمیت و فرمان مرد باشد. در عین حال وظیفه زن فقط بچه داری است. به علت ناقص‌العقل بودن، او باید خارج از فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی باشد.

پیاده کردن این ایدئولوژی در جامعه از همان ابتدای حاکمیت رژیم فاسد اکنونی، آغاز گردید. چیز تازه‌ای نیست.

مقاومت زنان به ویژه در جنبش اخیر علیه این ایدئولوژی و نتایج فاجعه بار آن و ضربات شکننده‌ای که به بنیان‌های حاکمیت رژیم وارد آورد، حاکمین را مصمم نمود این بحش از جامعه (زنان) را به هر قیمتی به گورستان خانه روانه سازد.

برای سردمداران رژیم، کسب سود و ثروت بالاترین ارزش‌هاست. برای رسیدن به آن از هیچ امکان کوچکی صرف نظر نمی‌کنند و برای رسیدن به یک تک تومانی حاضر هستند هزاران انسان شریف را قربانی کنند.

این واقعیت در طول ۴۴ سال حاکمیت این رژیم به کرات جامعه ما را به پرتگاه نیستی کشانده و مردم از آن به خوبی آگاهند.

ولی چه شده که بخش قابل توجهی از مردم کشور ما، یعنی دختران دانشجو و دانش آموز را تا حد مرگ مسموم مینمایند و این نیروی ثروت آفرین را نابود می‌کنند.

علت اساسی این جنایت خوفناک را باید در ساختار اقتصادی جامعه ایران جستجو نمود.

ثروتی که حاکمین را بر پا نگهداشته است، از تولیدات صنعتی، رشد و شکوفائی صنعت در کشور حاصل نمی‌گردد. منابع اقتصادی حاکمین، نفت و گاز و پتروشیمی، محصولات معدنی دیگر مثل طلا، اورانیوم، مس و آهن، درآمدهای گمرکی و صادرات و واردات است که اکثراً صادرات به محصولات کشاورزی محدود می‌گردد.

ولی صنایع در ایران هر روز با خطر ورشکستگی بیشتری رو به روست. در ده سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه صنعتی از ایران فرار کرده است. هزاران کارخانه صنعتی از این کشور به کشورهای همسایه مثل ترکیه منتقل گردیده و ده‌ها هزار متخصص شاخه‌های مختلف صنعتی این کشور را ترک کرده‌اند.

نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۹ در جمعیت فعال ۱۵-۲۴ ساله کشور ۲۳/۷ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ صدها هزار نفر از جمعیت فعال کشور به دلیل ناامیدی از پیدا کردن کار، دیگر جویای کار نشده‌اند. مرکز آمار ایران این جمعیت را از جمعیت بیکاران کشور حذف کرده است. این درصد بالا از بیکاری و تورم بیش از ۱۰۷ درصدی اقتصاد کشور ناشی از رشد بورژوازی تجاری مدرن ایران (صادرات و واردات) و رکود صنعت است. اگر زنان قانوناً از چرخه تولید و فعالیت تولیدی خارج شوند، دیگر جزو بیکاران کشور به حساب نمی‌آیند. معضل کاریابی برای آن‌ها نیز حل می‌گردد.

رژیم ایران با این نوع اقتصاد، باعث بیکاری روز افزون نیروی بالفعل کارکن جامعه می‌گردد. برای رهایی از این معضل و یا کاستن شدت آن، اولین سیاست مخربی که اعمال می‌شود، بیرون راندن بخشی از نیروی بالقوه فعال کشور از پروسه آموزش و تخصص صنعتی است. اولین نقطه «ضعفی» که رژیم فاسد ایران روی آن انگشت می‌گذارد، زنان دانش آموز و دانشجو هستند.

یک روز پیش از به صحنه آمدن علی خامنه‌ای، خبرگزاری سپاه اعلام می‌کند که عامل این مسمومیت‌ها شیطانی خود دانش آموزان بوده است. علی خامنه‌ای بزرگترین جنایت کار ایران، بعد از سه ماه که این جنایت مرتب در شهرهای ایران تکرار می‌شود، به صحنه می‌آید و چنین می‌گوید: «مسئولان باید موضوع مسمومیت دانش آموزان را با جدیت دنبال کنند؛ این یک جنایت بزرگ و غیر قابل اغماض است ... اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند. در مورد این افراد هیچ عفو نخواهد بود.» از نظر این انسان جنایت کار، مسمومیت دانش آموز و دانش پژوهان هنوز اثبات نشده است، یعنی دولتی نیست و صحت آن نیز هنوز زیر سؤال است. برای تأیید عملی این موضع دغ‌لکارانه، فردای این سخنرانی (۱۶ اسفند) وزارت کشور اعلام می‌کند که در ۶ استان افراد مضمونی را دستگیر کرده‌اند چند نفر را گرفته‌اند. احمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در همین تاریخ می‌گوید: «البته مواردی هم که جنبه غیرمعاندانه داشتند نیز ارشاد شدند...» به زبان بشری یعنی عده‌ای از خودی‌ها را گرفته و دوباره آزاد کرده‌اند.

ولی نوع سم‌های کشنده به کار گرفته شده طوری است که هیچ لابراتوار عادی قادر به تولید آن نیست. تهیه آن تکنولوژی بالا و امکانات وسیع علمی می‌خواهد. تهیه این سم فقط می‌تواند توسط دولت ایران تهیه شده باشد. زیرا تمام امکانات در مدت سه ماه برای تعقیب جنایت کارانی که مرتکب این فجایع می‌شوند، در ایران وجود داشته است. ولی فقط بعد از صحبت‌های خامنه‌ای تعقیب و صحنه سازی‌ها شروع می‌شود.

مدت چهل سال ارباب، محدودیت، تهدید و زندان و کشتار خیابانی زنان، برای رژیم ایران نتایج مورد نظر را به بار نیاورد. لذا به آخرین وسیله متشبث شده است؛ مسموم کردن هزاران دانش پژوه زن. اعمال این فجایع در مورد کل جامعه و به ویژه زنان، امری گذرا نیست. در ذات سیستم اقتصادی و ایدئولوژیک حاکمین ایران نهادینه است. لذا تا سیستم سرمایه‌داری بر قرار است و تا زمانی که این سرمایه‌داری با مذهب عجین گشته، باید منتظر فجایع دیگر بود. فقط با سرنگون کردن دولت بورژوازی و با نقد عمیق و همه جانبه مذهب، مردم به ویژه زنان روی آرامش و سلامت خواهند دید.

نظم کمونیستی

24.12.1401